

تحلیل عوامل مؤثر در بازتولید منظر شهری پس از بهسازی و نوسازی بافت

(مطالعه موردی: منطقه ۱۲ تهران)

ایرج قاسمی* - هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی
هادی سلطانی‌فرد - هیئت‌علمی دانشکده جغرافیا و علوم محیطی دانشگاه حکیم سبزواری

تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۰۱/۲۷

پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۲/۰۲

چکیده

منظر شهری مقوله‌ای است که ناظر و کنشگر فعال در فضا آن را درک و از آن برداشت می‌کند. از دیدگاه برنامه‌ریزی، برداشت ساکنان و عواملی که بر این درک مؤثرند، اهمیت دارد. این برداشت به دلیل مداخله بافت، به‌ویژه در بافت‌هایی که عناصر تاریخی و سابقه ذهنی و هویت دارند حساسیت بیشتری دارد. بر این اساس، شناسایی عوامل تأثیرگذار بر بازتولید منظر شهری و برداشت ذهنی پس از مداخله ضروری است. مقاله حاضر به دنبال شناسایی عوامل تأثیرگذار بر بازتولید منظر شهری پس از بازسازی و نوسازی است. پژوهش پیش‌رو با رویکرد ترکیبی انجام شده است؛ بدین صورت که ابتدا گویه‌ها به روش کیفی و تکنیک دلفی مشخص شد و سپس در نمونه ۵۰۰ عضوی در منطقه ۱۲، دیدگاه مردم به کمک پرسشنامه و پرسش‌های بسته با طیف لیکرت و اکاوی شد. سنجش داده‌های پیمایش نیز با تحلیل عاملی صورت گرفت. نتیجه اینکه می‌توان گویه‌ها را در ده عامل نهایی قرار داد که این عوامل بیش از ۶۵/۸ درصد واریانس کل را تبیین می‌کنند. همچنین براساس یافته‌ها، آنچه در دید ناظر قرار می‌گیرد، جذابیت بصری، سهولت دسترسی، خوانایی، تنوع و هماهنگی، کاهش اغتشاش بصری، تعلق خاطر، سازگاری و تنوع عوامل تأثیرگذار بر بازتولید منظر است. از این‌رو پیشنهاد می‌شود در نوسازی و بهسازی بافت، این عوامل با مشارکت مردم مدنظر قرار بگیرد.

واژه‌های کلیدی: بازتولید منظر شهری، تهران، منظر ذهنی، منظر شهر، مؤلفه‌های منظر شهری، منطقه ۱۲.

مقدمه

شهر به‌عنوان موجودی زنده ساخته نمی‌شود، بلکه پدید می‌آید. شهر را نمی‌توان به‌صورت دستوری و به دور از تفکرات عموم جامعه ساخت. از آنجا که شهر محصول عمل ارادی ساکنان آن و برخاسته از جامعه و فرهنگ است، افزون بر کالبد، عوامل کیفی را نیز به‌صورت بالقوه درون خود حمل می‌کند؛ عواملی که شناخت آن برای انسان ارزشمند است (نگارستان و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۳). یکی از این عوامل، منظر شهری است که یعنی هنر یکپارچگی بخشیدن بصری و ساختاری به مجموعه ساختمان‌ها، خیابان‌ها و مکان‌هایی که محیط شهری را می‌سازند. همچنین از نگاه فضایی به دورنمایی گفته می‌شود که از مجموعه ساختمان‌های شهر قابل مشاهده است. آنچه منظر شهری را تولید می‌کند، ویژگی‌هایی فیزیکی و اجتماعی محیط شهری و فضاهای نرم و سخت آن به همراه چیزی است که مردم درک می‌کنند؛ بنابراین منظر شهری از یک سو با ساختار شهر در سطح کلان تا خرد (معروفی و انصاری، ۱۳۹۳: ۴۱) و از سوی دیگر با درک و برداشت ذهنی شهروندان (کریمی مشاور و همکاران، ۱۳۹۴: ۵) ارتباط دارد؛ از این رو هر مداخله‌ای در شهر و کالبد آن می‌تواند بر بازتولید منظر عینی و ذهنی شهری تأثیرگذار باشد. بهسازی و نوسازی بافت‌های ناکارآمد شهری که برای پایدارسازی در مقابل حوادث و سوانح، دسترس‌پذیری بافت و سلول‌های تشکیل‌دهنده آن و کاهش ریزدانی انجام می‌شود، از طریق ایجاد بناها و ساختمان‌های جدید و تغییر در راسته‌ها و محورهای دید شهری در کنار بافت و ساخت‌های قدیمی بر بازتولید منظر شهری در سطوح مختلف تأثیرگذار است. این تغییرات و تأثیرها از دید ناظر و ساکن شهری با شیوه‌هایی خاص درک و در ذهن ثبت می‌شود. آنچه درک می‌شود اساس منظر شهری را تشکیل می‌دهد. حفاظت/ بازتولید منظر شهری فرهنگی تأثیراتی در فعالیت‌های خلاقانه، فرهنگی و نوآورانه دارد (Sassano et al., 2018: 38).

درک و برداشت مردم از منظر شهری یکی از مؤلفه‌های مؤثر در بازتولید منظر فرهنگی شهری است؛ بنابراین کشف درک و برداشت ذهنی شهروندان یکی از مهم‌ترین قدم‌ها برای برنامه‌ریزان شهری است تا در بازتولید منظر شهری بافت‌های شهری مدنظر قرار گیرد. فهم شهروندان از شهر است که به‌واسطه ادراک نمادهای آن (ابعاد کالبدی شهر) و تداعی معانی مرتبط با آن‌ها (ابعاد ذهنی و خاطره‌ای) صورت می‌گیرد (خاک‌زند و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۶). مداخله در بافت فرسوده و تاریخی منطقه ۱۲ که نقطه تمرکز اصلی ساخت و سازمان فضایی شهر و جایگاه آغازین شکل‌گیری استخوان‌بندی تهران به‌شمار می‌آید، به معنی دخالت مستقیم در بازپردازی مثبت یا تخریب مناظر شهری است. به همین دلیل در مطالعه حاضر، منطقه ۱۲ به‌عنوان نمونه مطالعاتی انتخاب شد. پرسش اصلی این است که عوامل اصلی تأثیرگذار بر منظر شهری از دید ساکنان و شهروندان چیست؟ به عبارت دیگر، درک و برداشت ذهنی شهروندان از منظر شهری چگونه منعکس می‌شود؟

مبانی نظری

شهر به‌مثابه کلتی از توده و فضا، از طریق روابط بصری درک می‌شود (کالن، ۱۳۷۷: ۷). کالن در توجیه نظریه خود، دیدن و تجربه بصری را نقطه آغازین درک کلیت شهر می‌داند که می‌تواند بیانگر نظم میان عناصری باشد و در تکوین محیط استفاده شود. براین‌اساس، با بررسی سازوکار خلق روابط بصری میان اجزا در محدوده دید ناظر پیاده و

ایجاد پیوستگی از طریق شناسایی عناصر پیونددهنده، مفهوم کلیت بصری تعریف می‌شود (توسلی، ۱۳۸۲: ۳۵؛ نعمتی مهر، ۱۳۸۴: ۱۰). علاوه بر ساختاری با کلیت بصری می‌توان منظر را به معنی آنچه دیده می‌شود با شرایط کالای عمومی تلقی کرد (Tanca, 2016). منظر شهری در سطح تماس انسان با پدیده شهر قرار دارد و به‌عنوان ظرف و مظهر عمل می‌کند؛ ظرفی که فعالیت‌ها، رفتارها و برداشت‌های شهروندان را شکل می‌دهد و مظهری که خود از اقدامات کنشگران گوناگون تأثیر می‌پذیرد (معروفی و انصاری، ۱۳۹۳: ۴۰)؛ پس منظر شهر، حاوی ذهنیتی از کل شهر و جایگاه تجلی گشتالت‌هاست و مجموعه‌ای را شامل می‌شود که براساس قوانین گشتالت به‌صورت یک کل ادراک می‌شود. عناصر تشکیل‌دهنده این کلیت، شامل نشانه‌هایی است که در ساختار شهر نقش دارند و در تجربه شهر به‌عنوان کلیتی واحد تأثیرگذارند (لینچ، ۱۳۸۷: ۱۸۲؛ نعمتی‌مهر، ۱۳۸۴: ۱۰). به‌دلیل تلفیق عینت کالبدی با ماهیت و روح انسانی فعالیت‌ها، تصویر ذهنی نیز حاصل تعامل میان شخص به‌عنوان ناظر و محیط یعنی مکان است (Alon-Mozes, 2006: 37)؛ وحدت و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸ و نعمتی‌مهر، ۱۳۸۴: ۱۱). با ورود انسان به‌عنوان تأثیرگذار بر شهر و تأثیرپذیر از آن، عنصر پویایی به منظر شهری اضافه می‌شود و منظر شهری به‌عنوان جزئی از شهر نظام‌های پویایی محسوب می‌شود (شالین، ۱۳۷۲: ۸) که اگر دگرگون نشوند، می‌میرند (فلامکی، ۱۳۷۶: ۸۷؛ ۱۳۸۳: ۱۱۶). برای دگرگونی و بازتولید مؤثر باید عوامل این فرایند را شناخت. برخی عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، طبیعی، کالبدی، عملکردی (Caves et al., 2005: 39) و برخی دیگر عوامل ادراکی، فیزیکی و عملکردی را در منظر شهری مهم دانسته (رضازاده، ۱۳۸۶: ۲۳) و در ایجاد ساخت اولیه و فرایند تحولی آن مؤثر می‌دانند. از نظر دسته‌بندی دیگر، منظر شهری مؤلفه‌های عملکردی- فعالیتی، معنایی- ادراکی، زیبایی‌شناختی و فرمی و زیست‌محیطی دارد (گلکار، ۱۳۸۲: ۱۲؛ پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۳).

منظر شهری بیش از اینکه مسئله برنامه‌ریزی و طراحی باشد، مسئله ارزش‌ها، اهداف انسانی و به رسمیت شناخته شدن مسئولیت‌های اجتماعی از سوی آحاد جامعه است (گلکار، ۱۳۸۲: ۱۴). پاکزاد آنچه را به چشم می‌آید فارغ از دسته‌بندی عینی و ذهنی بودن منظر شهری می‌داند (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۲۱)، اما بسیاری از صاحب‌نظران دیگر منظر شهری را در دو بعد عینی-به معنی آنچه دیده می‌شود- و ذهنی- یا آنچه احساس و درک می‌شود- خلاصه می‌کنند (خاک‌زند و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶؛ یوسفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۳؛ کریمی مشاور و همکاران، ۱۳۹۴: ۴؛ منصور، ۱۳۸۷: کریمی مشاور، ۱۳۸۹: ۹۲). به هر حال ماهیتی با نام منظر شهری، حاصل تجربه انسان در فیزیک شهر است. در شهر به سبب فعالیت‌های انسانی که در آن رخ می‌دهد و با کالبد آن در طول تاریخ همراه می‌شود، منظر پدید می‌آید که در ذهن شهروندان آن نقش بسته است. این ابعاد ذهنی ممکن است فردی یا جمعی باشد. درک منظر شهری به داده‌های محسوس خلاصه نمی‌شود، بلکه پیوسته در ارتباط با ذهنیت ناظر رشد می‌کند که بیش از حس بینایی عمل می‌کند. پس از دریافت داده‌های محسوس و ثبت آن‌ها در ذهن خود می‌توان کیفیتی را شناسایی کرد که حاصل عملی ارادی است و آن را «منظر شهری» می‌نامند (نگارستان و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۳).

منظر شهر را می‌توان در سه مقیاس کلان، میانی و خرد بررسی کرد (خاک‌زند و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶). در این مطالعه، با توجه به منظر شهری در بعد میانی بر این نظر تأکید می‌شود که منظر شهری همواره با مداخله‌های شهری مرتبط است (کلانتری و اخوت، ۱۳۹۰: ۱۷) و هر مداخله‌ای در شهر و کالبد آن می‌تواند بر منظر شهری تأثیرگذار باشد و

دل‌بستگی فعال یا غیرفعال در افراد ایجاد کند (Scannell and Gifford, 2014: 24). در محله‌های تاریخی این هماهنگی و یکپارچگی دیده می‌شود (Tavassoli, 2016: 17). اما مداخله فعال در بافت فرسوده به معنی دخالت مستقیم در بازپردازی مثبت یا تخریب مناظر شهری است (مقیمی و سلطانی، ۱۳۹۳: ۱۵). هر مداخله‌ای که این هماهنگی را افزون کند بر عملکرد مجموعه آن‌ها تأثیر مثبت دارد و در صورت انفکاک و جدایی میان عناصر، در عملکرد مجموعه بافت اختلال ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، تغییر ساختار شهر بر شکل زندگی شهری تأثیرگذار است (Bjorn and Azimzadeh, 2004: 2-3). رابطه میان فرد و فضای شهری با فرایند ادراک شکل می‌گیرد. این فرایند نخست با ادراک عینی فرد از کالبد شهر آغاز می‌شود که خود از ساختار و روابط حاصل از آن متأثر است. در این مرحله، فضای درون و فضای باز شهری از چیدمان فضایی و عملکردی عناصر شهری (ساختمان‌های عمومی، بناهای خاص و فضاهای شهری) شکل می‌یابد، اما در گام دوم، تداوم عینی منظر و پایداری آن در طول زمان، ساختار محض و ذهنی از منظر پیرامون را در افراد شکل می‌دهد (Attila, 2007: 20). تغییر در ساختار شهر و زندگی شهری نیز بر بازتولید عینی و ذهنی منظر شهری در ذهن شهروندان مؤثر است؛ زیرا بازتولید بیش از معاصر سازی، به ایجاد رابطه منطقی میان اجزای شهر و افزایش هم‌پیوندی میان عناصر کهن و معاصر متکی است (De Rosa and Di Palma, 2013: 4269). جایگزینی تصویری ناپهنجار از مکان به نگاهی بهبود داده شده از الزامات بازتولید است (Miles and Paddison, 2005: 833-839)؛ بنابراین در این رویکرد، فرهنگ به‌تنهایی در بازتولید منظر شهری نقش دارد و لازمه بازتولید است.

بهسازی و نوسازی بافت شهری بر ابعاد عینی و مهم‌تر از آن بر درک و برداشت ذهنی ساکنان و شهروندان از منظر شهری تأثیرگذار است. براساس مطالعات پیشین، شناخت ویژگی‌های بصری می‌تواند سبب خوانایی بافت و تقویت حس جهت‌یابی و در نتیجه تقویت منظر ذهنی از محیط شود (انصاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۹۳). در اهمیت ابعاد ذهنی می‌توان به این موضوع اشاره کرد که ابعاد ذهنی مؤثر بر ارزیابی از امنیت، در ارزیابی ساکنان از وجود امنیت واقعی و احساس امنیت تأثیرگذار است (رفعیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۵). وضعیت/ کیفیت منظر شهری، خوانایی/ حس مکان، ویژگی‌های مناظر دست‌نخورده، محدودیت منابع، مزیت تاریخی، آرامش و آسودگی خاطر (De Rosa and Di Palma, 2013: 4282; Durum and Kubit, 2015) و زیبایی (خاک‌زند و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶) از جمله منابع و عواملی است که در منظر شهری از بعد ذهنی (Mayor of London, 2014) تأثیرگذار است. با تأکید بر این برداشت از منظر شهری که آنچه به چشم می‌آید و انسان آن را درک و از آن برداشت می‌کند، با تولید منظر شهری از نگاه شهروندان و برداشت ذهنی آنها اهمیت می‌یابد. در جدول ۱ ابعاد منظر شهری از دیدگاه پژوهشگران آمده است.

جدول ۱. ابعاد منظر شهری از دیدگاه پژوهشگران

پژوهشگر	ابعاد منظر شهری
کوبین لینچ، ۱۹۶۰	ادراکی-فیزیکی-عملکردی
منصوری، ۱۳۸۷؛ کریمی مشاور، ۱۳۸۹	زیبایی‌شناسی-عملکردی-هویتی
عبدالله خان گرجی، ۱۳۸۵	بصری-کالبدی-فضایی-فعالیتی-هویتی-محیطی
محمودی، ۱۳۸۵	پایداری-هویتی-زیبایی-وحدت

منبع: کریمی مشاور و همکاران، ۱۳۹۴

با این رویکرد، مؤلفه‌های بازتولید ذهنی منظر شهری برگرفته از ادبیات و آنچه در نظریه بیان شده شامل شاخص‌های عینی و ذهنی می‌شود که ابعاد ذهنی آن را می‌توان دربرگیرنده مؤلفه‌های جذابیت، زیبایی، خوانایی و تناسبات بصری، تنوع بصری، اغتشاشات بصری، نظم و هارمونی، دسترسی (بعد فضایی)، حس مکان و خاطره‌انگیزی دانست. در این مقاله، مؤلفه‌ها و مفاهیم فوق مبنای تحلیل قرار دارند. هدف پژوهش حاضر این است که مهم‌ترین مؤلفه‌ها و متغیرهای مؤثر بر درک و خوانش منظر شهری از سوی شهروندان و ساکنان شهری در منطقه ۱۲ بررسی شود.

روش

رویکرد حاکم بر پژوهش حاضر ترکیبی است. بدین‌صورت که روش کیفی در ابتدا و روش کمی بعد از آن اجرا می‌شود. به عبارت دیگر در بخش مقدماتی و برای تعیین گویه‌های عوامل و مؤلفه‌های پژوهش از روش کیفی و برای سنجش نظر ساکنان درمورد عوامل تأثیرگذار بر منظر شهری از روش کمی استفاده شده است. در رویکرد کیفی از روش دلفی برای تعیین گویه‌های زیرمعیارهای استخراج‌شده در مطالعات نظری استفاده شد. برای این منظور گروهی متشکل از ده کارشناس شهرسازی، معماری منظر، برنامه‌ریزی شهری، جامعه‌شناسی شهری و مدیریت شهری شناسایی و در سه مرحله گویه‌ها استخراج و تأیید یا اصلاح شد. در نهایت گویه‌های استخراج‌شده برای پیمایش میدانی به پرسشنامه تبدیل شدند.

در این پژوهش، در قالب روش کمی، سنجش عوامل تأثیرگذار بر منظر شهری از دیدگاه شهروندان در پیمایش میدانی و با استفاده از ابزار پرسشنامه به‌صورت حضوری بررسی شد و تصویر کلی از ویژگی‌هایی که هریک از شهروندان درمورد منظر شهری ارائه داده‌اند، ساخته شد. برای تسهیل در دریافت نظرات علاوه‌بر برداشت حضوری کارشناسان شهرسازی، گویه‌های استخراج‌شده از مرحله اول در قالب طیف لیکرت و پنج‌گزینه‌ای پرسیده شد، سپس به‌منظور تلخیص مؤلفه‌های تأثیرگذار بر منظر شهری از دیدگاه کنشگران فعال در فضا، از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. روش تحلیل عاملی روشی برای تحلیل مسائل است که در آن هدف، خلاصه‌سازی داده‌ها و تبدیل آن‌ها به عوامل اصلی است؛ به شرطی که داده‌های اصلی از بین نرود. در تحلیل عاملی هدف برقراری رابطه میان متغیر وابسته و مستقل نیست، بلکه وابستگی میان عوامل و مؤلفه‌های تحقیق سنجش می‌شود. از طریق این تکنیک، ارتباط پنهان تمامی متغیرها برقرار می‌شود و در نهایت مؤثرترین عوامل که قدرت تبیین‌کنندگی بیشتری از سایرین دارند، کشف و شناسایی می‌شوند.

به‌منظور جمع‌آوری دیدگاه کنشگران فعال در فضا، با برآوردی از جمعیت ساکن و شاغل در منطقه ۱۲، با فرمول کوکران و ضرایب p و q به‌دست‌آمده از تست اولیه، نمونه‌ای ۵۰۰ عضوی به‌صورت تصادفی منظم در محورهای اصلی منطقه برگزیده و به‌صورت حضوری اطلاعات جمع‌آوری شد. با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و بر مبنای چرخش واریماکس با متعامد نگه‌داشتن محورهای عاملی، ساختار عاملی ساده‌ای حاصل شد. هدف اصلی این نوع چرخش، افزایش مجموع واریانس‌های بارهای مجذور شده روی ستون‌های ماتریس عاملی است.

محدوده مورد مطالعه

مطالعات کمی و پیمایشی این مطالعه در منطقه ۱۲ تهران انجام شد. دلیل انتخاب این منطقه، اهمیت آن در ساختار کلان‌شهری و وجود عناصر منظرین تاریخی و مدرن در منطقه است. منطقه ۱۲ بخش اصلی «مرکز تاریخی شهر

تهران» را شامل می‌شود. به دلیل استقرار خدمات مقیاس شهری و فراشهری تهران و نیز اختصاص سطوح وسیعی از اراضی این منطقه به کاربری‌های فرامنطقه‌ای و سطوح بالاتر می‌توان این منطقه را مرکز ثقل شهر تهران قلمداد کرد. این منطقه دربرگیرنده هسته تاریخی شهر بوده و بیش از نیمی از املاک آن کمتر از ۱۵۰ متر مساحت دارند. ۹۰ درصد معابر شهری در منطقه ۱۲ عرضی کمتر از ۶ متر دارد. ۵۱ درصد ساکنان آن‌ها نیز محلی هستند (مهندسان مشاور باوند، ۱۳۸۲؛ منزوی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴). این منطقه از فرسوده‌ترین مناطق شهری تهران به‌شمار می‌آید. محله‌هایی مانند بازار، عودلاجان، سنگلج، امامزاده یحیی، سیروس، خانی‌آباد و شوش از جمله این محله‌های قدیمی هستند. به همین دلیل در دهه اخیر، نوسازی و بهسازی بافت‌های ناکارآمد منطقه مانند سایر مناطق مدنظر قرار گرفته است، اما با توجه به غلبه کاربری‌های تجاری و اداری، نوسازی با مدرن‌سازی و ساخت‌وسازهای مراکز تجاری و اداری همراه شده و در نتیجه منظر شهری دچار تغییرات زیادی شده است.

یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج مطالعات دلفی و یافته‌های حاصل از جمع‌بندی و اصلاح و ویرایش نهایی، ۳۶ گویه برای ۹ زیرمعیار استخراج‌شده از مطالعات نظری تعیین شد (جدول ۲).

درصد زیادی از نمونه ۵۰۰ عضوی مشارکت‌کننده در این پیمایش میدانی را مردان تشکیل می‌دهند (۶۸/۲ درصد). ۶۳/۴ درصد این نمونه نیز متأهل هستند. بیشتر افراد در میان‌سالی قرار دارند؛ به طوری که بیش از ۵۷/۵ درصد را افراد ۳۰ تا ۶۰ ساله تشکیل می‌دهند و در مجموع میانگین سنی نمونه ۳۶/۱ سال است. تحصیلات حدود ۵۹/۲ درصد از پاسخگویان دیپلم و پایین‌تر و بقیه بالاتر از دیپلم است. حدود ۵۳ درصد از این گروه شاغل در بخش غیردولتی و آزاد هستند و ۱۳ درصد از پاسخگویان را زنان خانه‌دار تشکیل می‌دهند. بیشتر افراد نمونه (۵۶/۷ درصد) بیش از ده سال سابقه سکونت در محله فعلی دارند و بیش از ۹۰ درصد از کل جامعه نمونه، محل سکونت قبلی خود را نیز تهران اعلام کرده‌اند. بیش از ۵۹ درصد از خانوارهای نمونه، خانه ملکی دارند و در آن ساکن هستند. بیش از ۴۰ درصد از افراد درآمد خود را زیر ۱/۵ میلیون تومان اعلام کرده و افزون بر ۳۷ درصد نیز درآمدی بیش از ۲ میلیون دارند. درآمد سایر ساکنان نیز حدود ۱/۵ تا ۲ میلیون است.

این پیمایش نشان می‌دهد نمای ساختمان‌های موجود در محل زندگی اعم از ساختمان‌های تاریخی یا بناهای مدرن از نظر جذابیت مثبت ارزیابی نمی‌شوند. با وجود این، ارزیابی مردم از نقش نماد و نشانه‌ای ساختمان‌های تاریخی از ساختمان‌های مدرن بهتر بوده است. اگرچه جذابیت ساختمان‌های محله برای نماد و نشانه شهری از نگاه پاسخگویان بسیار قوی نیست، هنوز هم ساختمان‌های تاریخی نقش بیشتری در جذابیت نماد و نشانه شهری دارند. همچنین جذابیت فضای سبز و درختان محله نیز مثبت ارزیابی شده است. در مجموع می‌توان گفت از نگاه مشارکت‌کنندگان در نمونه، جذابیت محله در نمای ساختمان‌ها و فضای سبز مثبت و در زمینه نقش نماد و نشانه‌ای بودن بناها و فضای محله ضعیف ارزیابی شده است. با وجود این میانگین شاخص‌ها نشان می‌دهد ارزیابی پاسخگویان از جذابیت منظر شهری مثبت بوده است.

جدول ۲. گویه‌های استخراج شده از روش دلفی

زیرمعیارها	کد	گویه
جذابیت	۱	جذابیت فضای محل زندگی
	۲	بناهای دارای نقش نماد و نشانه
	۳	جذابیت نمای ساختمان‌های تاریخی
	۴	جذابیت نمای ساختمان‌های مدرن
	۵	جذابیت درختان و فضاهای سبز
زیبایی	۶	زیبایی ساختمان یا مکان‌های تاریخی موجود
	۷	زیبایی ساختمان یا مکان‌های جدید و مدرن
	۸	زیبایی محل زندگی
	۹	زیبایی تابلوهای راهنمای داخل محله
خوانایی	۱۰	خوانایی ورودی محله
	۱۱	شناسایی بناها و مکان‌های تاریخی محله
	۱۲	شناسایی بناها و مکان‌های جدید
	۱۳	شناسایی فضای محدوده محله
	۱۴	توانایی در آدرس‌دهی
تناسبات بصری	۱۵	میزان احساس پیوستگی و یکپارچگی در ساختمان‌های محله
	۱۶	درک تناسب نماهای ساختمان‌ها
	۱۷	درک ذهنی تناسب بناهای جدید با بناهای تاریخی
	۱۸	درک هماهنگی ارتفاع ساختمان‌های موجود
تنوع بصری	۱۹	برداشت ذهنی از تنوع فضا و ساختمان‌ها
	۲۰	خوشایندبودن تنوع ساختمان‌ها
	۲۱	نقش بناهای تاریخی در این تنوع
اغتشاش بصری	۲۲	درک ساختمان متروکه، تاریخی، مخروبه یا نیمه‌کاره
	۲۳	اغتشاش در دیوارنویسی و پوستره‌های تبلیغاتی دیوارهای محله
	۲۴	اغتشاش ساختمان‌های قدیمی و فرسوده
	۲۵	آزاردهندگی ساختمان‌های جدید
نظم و هارمونی	۲۶	نظم ساختمان‌ها
	۲۷	نظم نمای ساختمان‌ها
حس مکان و خاطره‌انگیزی	۲۸/۱	حس خاطره‌انگیزی بنا و فضاهای تاریخی
	۲۸/۲	حس خاطره‌انگیزی بناها و فضاهای جدید و مدرن
	۲۸/۳	حس خاطره‌انگیزی خیابان‌ها و میدان‌ها
	۲۹	تعلق خاطر و دل‌بستگی به محل زندگی خود
	۳۰	تعلق خاطر و دل‌بستگی بناها و فضاهای تاریخی
	۳۱	تعلق خاطر و دل‌بستگی به محل و فضای زندگی
دسترسی	۳۲	برداشت ذهنی از سهولت دسترسی خیابان‌های اطراف به محله
	۳۲/۱	میزان اشراف به مسیرهای کوتاه و میانبر در محله
	۳۳	درک ذهنی از میزان دسترسی محل زندگی به فضاهای عمومی و پارک‌ها

از بعد زیبایی می‌توان گفت زیبایی ساختمان‌های مدرن از نگاه شهروندان اندکی کمتر از زیبایی ساختمان‌های تاریخی است؛ یعنی نوسازی ساختمان‌ها و بناهای محله تأثیری در زیبایی بناها و محله نداشته است. روند ارزیابی پاسخگویان بر زیبایی محله تأثیرگذار است و مردم از محل زندگی خود ارزیابی ضعیفی دارند؛ به طوری که بیش از نیمی از مردم زیبایی محله خود را کم و خیلی کم ارزیابی کرده‌اند.

علائم شهری از جمله تابلوهای راهنمایی محله و عناصر آن از نظر مردم زیبایی ندارند؛ براین اساس ۴۶ درصد این گروه زیبایی تابلوها را کم و بسیار کم ارزیابی کرده‌اند و تنها ارزیابی ۱۵/۳ درصد آن‌ها مثبت و شامل زیاد و بسیار زیاد بوده است؛ بنابراین می‌توان گفت مدیریت شهری به زیبایی این عناصر توجه زیادی نداشته یا برداشت و خوانش مردم را در طراحی تابلوهای نشانگر کمتر دخالت داده است. پوشش کف معابر و مسیرها گویه دیگری از زیبایی محله و منظر شهری محسوب می‌شود که مطالعه نشان می‌دهد. نوسازی و بهسازی بافت (غیر از محورهای خاص) در زیباسازی کف نقش مؤثری ندارد. زیبایی ظاهر ساختمان‌های موجود در محله گویه دیگری از زیرمعیار زیبایی است. بررسی این گویه از نگاه جامعه نمونه نشان می‌دهد بیشتر مردم برداشت مثبتی از زیبایی ظاهر ساختمان‌ها ندارند. روشنایی نیز مانند شکل ظاهری ساختمان‌ها و سایر گویه‌های زیبایی امتیاز زیادی از نظر زیبایی ندارد. در مجموع و براساس متوسط ارزیابی‌ها، پاسخگویان از زیبایی محله و منظر شهری رضایت ندارند و بازسازی، نوسازی و بهسازی ساختمان‌ها و بناها نیز نقشی در زیبایی محله و منظر شهری ندارد.

خوانایی منظر شهری با گویه‌های خوانایی ورودی‌ها، بناهای تاریخی، بناهای مدرن، فضاهای محله و توانایی آدرس‌دهی به محله سنجش شده است. براین اساس ورودی محله و بناهای موجود در محله خوانایی متوسط به بالایی داشته‌اند و در مجموع ۳۵/۸ درصد طرف مثبت طیف در برابر ۳۲/۵ درصد جهت منفی طیف را به خود اختصاص داده‌اند، اما خوانایی در بناهای تاریخی و قدیمی بیش از بناهای مدرن ارزیابی شده است. به عبارت دیگر، بازسازی و نوسازی خوانایی محله را افزایش نداده و بلکه اندکی از خوانایی محله نیز کاسته است. با وجود این، بیشتر پاسخگویان در مورد فضاهای موجود در محله و توانایی آدرس‌دهی ارزیابی خوبی داشته‌اند. متوسط شاخص‌های ارزیابی در زیرمعیار خوانایی مثبت بوده و میانگین ۴۶/۹ درصد ارزیابی مثبت در برابر ۲۳/۶ درصد ارزیابی منفی حکایت از این موضوع دارد.

تناسبات بصری یکی از زیرمعیارهای مهم در ارزیابی منظر ذهنی است. اینکه ابعاد و اندازه‌های بناها و پیوستگی و یکپارچگی از دید ناظر و ساکن محله تناسب دارد، یکی از نکات کلیدی در ارزیابی منظر شهری است. برای این منظور از گویه‌های پیوستگی و یکپارچگی بناها، تناسب ساختمان‌ها، تناسب بناهای جدید با قدیم و هماهنگی ارتفاع و خط آسمان استفاده شده است. از دید ناظر و ساکن محله که پاسخگوی این پژوهش بوده‌اند، تناسبات در نوسازی و بازسازی محله رعایت نشده است. میانگین شاخص‌ها در مجموع نشان‌دهنده ۵۹/۲ درصد نظر منفی در مورد رعایت تناسبات بوده است.

تنوع بصری در سیما و منظر شهری یکی از زیرمعیارهای منظر ذهنی است. این زیرمعیار با گویه‌های تنوع در فضاها و ساختمان‌ها، خوشایندی تنوع موجود در بناها و فضاها و نیز نقش بناهای تاریخی در تنوع ارزیابی شده است. نتایج پیمایش میدانی و نظرسنجی از ساکنان نشان می‌دهد تنوع موجود در ساختمان‌ها و فضاهای شهری بسیار کم تا کم ارزیابی شده (۴۲/۹ درصد) و نقش بناهای تاریخی در تنوع بصری نیز امتیاز متوسط رو به منفی را به خود اختصاص داده است (۳۸/۲ درصد منفی و ۲۹ درصد متوسط)، اما پاسخگویان از این وضعیت، خوشایندی متوسط رو به مثبتی داشته‌اند (۳۹ درصد ارزیابی مثبت و ۲۷/۸ درصد متوسط). براساس این ارزیابی می‌توان چنین برداشت کرد که ساکنان با وضع موجود هماهنگی یافته و در این تعامل و کنش با فضا و سیمای شهری هر آنچه وجود دارد را اگرچه خوب ارزیابی نمی‌کنند، قابل‌پذیرش می‌دانند. در مجموع تنوع در منظر شهری را متوسط رو به منفی ارزیابی کرده‌اند؛ بنابراین می‌توان

گفت بازسازی و نوسازی در تنوع بصری منظر شهری تأثیری نداشته و بهسازی در بناهای تاریخی نیز تنوع بصری مورد نظر پاسخگو را بهبود نبخشیده است، اما ساکنان با این وضعیت خو گرفته و آن را تا حدود زیادی پذیرفته‌اند.

اغتشاش بصری زیرمعیاری است که عکس زیرمعیارهای دیگر عمل می‌کند. در این ارزیابی، اغتشاش در سیما و منظر شهری سنجش شده است. گویه‌های مورد نظر برای ارزیابی اغتشاش بصری عبارت‌اند از: وجود بناها و فضاهای متروکه، آزاردهندگی تبلیغات دیواری و محلی و آزاردهندگی ساختمان‌های جدید. براساس نظر پاسخگویان بناها و فضاهای متروکه اغتشاش زیادی در سیما و منظر شهری به وجود آورده و $52/8$ درصد از پاسخگویان بر این نظر ابرام داشته‌اند. تبلیغات دیواری و بصری موضوع دیگری بوده که از دیدگاه 68 درصد از پاسخگویان آزاردهنده بوده است. درمورد ساختمان‌های فرسوده و قدیمی نیز وضعیت مناسب نیست و 62 درصد معتقدند این ساختمان‌ها در محله آزاردهنده هستند، اما ساختمان‌های جدید آزاردهندگی بسیار کمتری دارند و تنها $22/6$ درصد از پاسخگویان معتقدند این ساختمان‌ها آزاردهنده هستند. درمجموع اغتشاش بصری در سیما و منظر شهری یکی از مسائل مطرح‌شده از سوی پاسخگویان بوده است، اما نوسازی و بازسازی بر این مسئله فائق آمده و از میزان اغتشاش بصری کاسته است.

نظم و هماهنگی در سیما و منظر شهری یکی از معیارهای ارزیابی این متغیر است. نظم و هماهنگی و درک آن نسبی است و می‌تواند از فردی به فرد دیگر تغییر کند؛ از این‌رو برداشت ذهنی ناظر، بر سنجش این معیار تأثیر می‌گذارد. برای ارزیابی این معیار از گویه‌های نظم در ساختمان‌ها، خیابان‌ها، فعالیت‌ها و نمای ساختمان استفاده شده است.

ارزیابی نظم در عناصر کالبدی از نگاه پاسخگویان نشان‌دهنده این است که بیش از نیمی از پاسخگویان نظم موجود را راضی‌کننده ندانسته‌اند. این شاخص درمورد نظم ساختمان‌ها با اندکی بهبود همچنان منفی است و $53/4$ درصد از پاسخگویان خیابان‌ها را دارای نظم بسیار کم تا کم می‌دانند. درمورد فعالیت‌های سامان‌یافته در محل زندگی اندکی بهبودی در ارزیابی حاصل شده است، اما باز هم $45/9$ درصد افراد فعالیت‌های موجود را با نظم دلخواه همراه نمی‌دانند. نمای ساختمان‌ها از نظر پاسخگویان وضعیت به‌مراتب بدتری دارد و $59/2$ درصد از پاسخگویان به آن رأی منفی داده‌اند. بدین ترتیب می‌توان گفت ساماندهی فضایی - کالبدی در قالب بهسازی و نوسازی بافت در نظم و هماهنگی بافت کالبدی تأثیرگذار نبوده است.

میزان تعلق خاطر به محل زندگی و تأثیر عوامل و عناصر کالبدی در خاطره و حس مکان از جمله زیرمعیارهای منظر ذهنی در مطالعات سیما و منظر شهری است. در این پژوهش، به‌منظور ارزیابی این زیرمعیار از گویه‌های میزان خاطره‌انگیزی بناها و فضاهای تاریخی، بناها و فضاهای جدید، خیابان و میدان‌ها، تعلق خاطر به محله، تأثیر بناهای تاریخی بر حس تعلق فرد و ارزیابی خاطره‌انگیزی محله استفاده شده است. براساس نظر پاسخگویان بناها و فضاهای تاریخی خاطره‌انگیزی بسیار بیشتری از فضاهای نوساز و مدرن داشته‌اند؛ به‌طوری‌که $36/1$ درصد از پاسخگویان میزان خاطره‌انگیزی بناهای تاریخی را زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند و تنها $23/1$ درصد چنین نظری درباره بناهای مدرن و نوساز داشته‌اند. میدان‌ها و خیابان‌ها اندکی بیش از ساختمان‌های مدرن موفق به ایجاد خاطره در پاسخگویان شده و درمجموع خیابان‌ها و میدان‌ها در این زمینه متوسط ارزیابی شده‌اند. با وجود این پاسخگویان تعلق خاطر خوبی به محله دارند و $44/5$ درصد از این گروه ارزیابی مثبتی از تعلق خاطر خود از محله اعلام کرده‌اند. بناهای تاریخی و قدیمی در حس تعلق به محله نقش مؤثری داشته و بیش از $36/8$ درصد از پاسخگویان این نقش را زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. به هر صورت، حدود $47/7$ درصد از پاسخگویان از محله در حد زیاد و خیلی زیاد

خود خاطره داشته‌اند. در مجموع ارزیابی پاسخگویان از گویه‌های مربوط به حس مکان و خاطره‌انگیزی، متوسط رو به بالا ارزیابی شده است و ۷۵/۵ درصد در این دو نقطه طیف قرار گرفته‌اند.

کیفیت دسترسی از بعد فضایی زیرمعیار دیگری است که برای ارزیابی منظر ذهنی استفاده شد. در این ارزیابی گویه‌های راحتی دسترسی به خیابان اصلی، آشنایی به دسترسی‌های فرعی و دسترسی به فضاهای عمومی استفاده شدند. نتیجه این ارزیابی نشان می‌دهد با اینکه بیشتر پاسخگویان آشنایی متوسط و زیادی به مسیرهای میان‌بر و کوتاه و فرعی داشته‌اند، ارزیابی متوسطی از سهولت دسترسی به خیابان دارند و دسترسی به فضاهای عمومی و پارک‌ها را ضعیف ارزیابی کرده‌اند؛ بنابراین باید گفت پاسخگویان نقش زیادی برای فضای سبز و پارک در ایجاد جذابیت بصری در فضا قائل بوده‌اند، اما دسترسی به فضای سبز را راضی‌کننده نمی‌دانند. کمبود فضای سبز در منطقه به دلیل نبود فضاهای خالی برای توسعه این کاربری یکی از مشکلاتی است که در اسناد بالادست بر آن تأکید شده است. بدین ترتیب می‌توان انتظار داشت مشکل در دسترسی به این کاربری ناشی از کمبود فضای کوچک در نواحیها بوده است و فضاهای درشت‌دانه این کاربری نقش زیادی در جذابیت کسب کرده‌اند. نوسازی و بهسازی نیز در تأمین فضای مورد انتظار مردم موفقیتی کسب نکرده‌اند.

برای جمع‌بندی مؤلفه‌های مطالعه‌شده، میانگین میانگین‌های هر زیرمعیار به‌عنوان ارزیابی آن زیرمعیار در نظر گرفته شد. به‌منظور سهولت در مقایسه، زیرمعیارها هم‌جهت شدند. علاوه بر این، آنچه به‌عنوان مجموع معیارها آورده شده است، به‌صورت یک گویه در پرسشنامه آورده شده بود که نتیجه آن به‌شکلی مستقیم از جداول توصیفی استخراج و جایگزین شد. بدین‌صورت ضمن ارزیابی مستقیم زیرمعیار از دید پاسخگو، میانگین میانگین‌ها نیز برای ارزیابی و مقایسه زیرمعیارها استفاده شده است. نتیجه این محاسبه و اطلاعات توصیفی نشان می‌دهد در مجموع کنشگران اصلی فضا از منظر شهری ذهنیت مثبتی ندارند و در بیشتر زیرمعیارها امتیاز کم تا بسیار کمی در طیف پنج‌گزینه‌ای دریافت کرده‌اند. در این میان، بدترین وضعیت به رعایت تناسب در سیما و منظر شهری اختصاص دارد که ۵۹/۲ درصد از پاسخگویان نظر منفی در این مورد داشته‌اند. نظم بصری و اغتشاش بصری نیز پس از رعایت تناسب از جمله زیرمعیارهایی بودند که بیش از نیمی از جمعیت، ارزیابی منفی به گویه‌های آن داشتند، بهترین ارزیابی به خوانایی منظر و جذابیت آن بستگی دارد که توانسته ارزیابی مثبتی با بیش از ۴۳ درصد از پاسخگویان را به خود اختصاص دهند. در این میان، حس مکان و خاطره‌انگیزی ارزیابی میانه‌ای داشته و از نظر کیفیت دسترسی نیز بیشتر افراد وضعیت متوسطی را تشخیص داده‌اند.

در ارزیابی مستقل و مستقیم از پاسخگویان نیز پرسش شده که شما تا چه میزان از سیما و ظاهر محله خود رضایت دارید. در پاسخ به این پرسش ۴۷ درصد از پاسخگویان رضایت خود را کم و بسیار کم بیان کرده و کمتر از ۳۵ درصد رضایت متوسطی از سیما و ظاهر محله داشته‌اند (جدول ۳).

در مرحله بعد، به‌منظور تلخیص مؤلفه‌های تأثیرگذار بر منظر شهری از دیدگاه کنشگران فعال در فضا از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. نخستین گام در روش تحلیل عاملی پس از استخراج معیارها و شاخص‌های مورد نظر که در مطالعات نظری و دیدگاه صاحب‌نظران استخراج شد، تشکیل ماتریس اولیه اطلاعات است. در این مطالعه، ماتریسی ۵۰۰ ردیف دارد که نمونه مورد مطالعه هستند. ۳۶ گویه نیز شامل سنجه‌های مؤلفه‌های منظر شهری به‌عنوان ستون‌های ماتریس تشکیل شد. محاسبه KMO به‌منظور مناسب‌بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی صورت گرفت (جدول ۴).

جدول ۳. ارزیابی نهایی پاسخگویان از زیرمعیارهای ذهنی منظر شهری

زیاد و خیلی زیاد	متوسط	بسیار کم تا کم	زیرمعیار
۴۳/۳	۲۴/۴	۳۲/۳	جذابیت منظر
۲۲/۴	۳۰/۷	۴۷/۰	زیبایی منظر
۴۶/۹	۲۹/۵	۲۲/۶	خوانایی منظر شهری
۱۲/۵	۲۸/۴	۵۹/۲	رعایت تناسبات
۲۹/۸	۳۲/۰	۳۸/۱	تنوع بصری
۲۵/۹	۲۲/۷	۵۱/۴	عدم اغتشاش بصری*
۱۴/۴	۳۱/۸	۵۳/۹	نظم و هارمونی
۳۵/۵	۳۵/۰	۲۹/۵	حس مکان و خاطره‌انگیزی
۳۰/۵	۴۰/۳	۲۹/۲	کیفیت دسترسی
۱۸/۱	۳۴/۹	۴۷/۰	مجموع معیارهای ذهنی

*برای هم‌جهت شدن زیرمعیارها اغتشاش فضایی معکوس شده است.

جدول ۴. محاسبه آزمون KMO و بارتلت

۰/۸۲۰	آزمون مناسب بودن داده‌های Kaiser-Meyer-Olkin
۶۹۷۹/۲۹۷	کای اسکور
۶۶۶	درجه آزادی
۰/۰۰۰	سطح معناداری
	آزمون بارتلت

براساس جدول ۴، مقدار KMO مربوط، بالاتر از ۰/۵ (۰/۸۲۰) است و برای تحلیل عاملی داده‌های مربوط مناسب به نظر می‌رسد. همچنین مقدار آماره بارتلت نیز در حد پذیرش با اعتماد بیش از ۹۹ درصد است. بررسی واریانس تبیین‌شده موضوع برای تعیین تعداد عوامل منتخب ماتریس محاسباتی مقدماتی به دست آمد. نتیجه این محاسبه نشان می‌دهد که عوامل تأثیرگذار، در ده عامل نهایی به‌عنوان عوامل تبیین‌کننده منظر شهری از دید ساکنان و شهروندان خلاصه می‌شوند. این ده عامل در مجموع بیش از ۶۵/۶۴ درصد از عوامل تأثیرگذار بر منظر شهری را توضیح می‌دهند (جدول ۵).

جدول ۵. مجموع واریانس‌های تبیین‌شده پس از چرخش عاملی

شماره مؤلفه	مؤلفه	مقدار خاص	درصد واریانس	درصد تجمعی
۱	دیدن و دیده‌شدن	۵/۰۶۲	۱۳/۶۸۲	۱۳/۶۸۲
۲	جذابیت و زیبایی	۳/۶۴۷	۹/۸۵۸	۲۳/۵۴۰
۳	سهولت دسترسی	۲/۲۶۳	۶/۱۱۶	۲۹/۶۵۶
۴	خوانایی	۲/۱۳۲	۵/۷۶۱	۳۵/۴۱۷
۵	هماهنگی و تنوع	۲/۰۹۸	۵/۶۷۱	۴۱/۰۸۸
۶	اغتشاش بصری	۲/۰۴۵	۵/۵۲۸	۴۶/۶۱۷
۷	تعلق خاطر	۱/۹۲۸	۵/۲۱۰	۵۱/۸۲۷
۸	خاطره‌انگیزی	۱/۸۲۶	۴/۹۳۵	۵۶/۷۶۱
۹	سازگاری و تنوع	۱/۶۹۷	۴/۵۸۷	۶۱/۳۴۸
۱۰	ادراک کل	۱/۵۸۶	۴/۲۸۶	۶۵/۶۳۴

منبع: نگارندگان

افزون بر این، با استفاده از ۱۹ بار چرخش واریماکس، با متعادم نگه‌داشتن محورهای عاملی، ساختار عاملی ساده‌ای حاصل شد. در واقع هدف اصلی در این نوع چرخش به حداکثر رساندن مجموع واریانس‌های بارهای مجذور شده بر ستون‌های ماتریس عاملی است. نتایج تحلیل عاملی نشان می‌دهد الگوی عاملی مؤلفه‌ها در قالب ده عامل مشخص شدند. نتیجه چرخش ماتریس عوامل، کاهش ۳۶ گویه به ۳۲ گویه بود. به عبارت دیگر، ۴ گویه از گویه‌های اولیه براساس محاسبه عوامل به دلیل هم‌بستگی زیاد حذف شدند و در هیچ‌یک از گروه عوامل ده‌گانه قرار نگرفتند. در نهایت عوامل ده‌گانه مؤثر در ذهنیت و برداشت ساکنان از منظر شهری استخراج شدند. نام‌گذاری این ده عامل براساس ادبیات نظری و سوابق مطالعاتی و نوع گویه‌های هر عامل صورت گرفت. نتیجه این امر در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶. ماتریس بارهای عاملی چرخش یافته

عوامل	گویه‌ها	مقادیر بار عاملی
دیدن و دیده‌شدن	جذابیت فضای محل زندگی	۰/۷۰۲
	احساس پیوستگی و یکپارچگی در ساختمان‌های محله	۰/۶۹۲
	زیبایی تابلوهای راهنمای داخل محله	۰/۶۸۴
	زیبایی محل زندگی	۰/۶۸۳
	درک تناسب نماهای ساختمان‌ها	۰/۵۶۵
	نظم ساختمان‌ها	۰/۵۴۹
جذابیت و زیبایی	نظم نمای ساختمان‌ها	۰/۵۴۲
	درک ذهنی تناسب بناهای جدید با بناهای تاریخی	۰/۵۴۱
	جذابیت درختان و فضاهای سبز	۰/۷۳۶
	جذابیت نمای ساختمان‌های تاریخی	۰/۷۰۲
	زیبایی ساختمان یا مکان‌های تاریخی موجود	۰/۶۸۳
	جذابیت نمای ساختمان‌های مدرن	۰/۶۷۲
سهولت دسترسی	زیبایی ساختمان یا مکان‌های جدید و مدرن	۰/۶۴
	بناهای دارای نقش نماد و نشانه	۰/۵۷۱
	میزان اشرف به مسیرهای کوتاه و میان‌بر در محله	۰/۷۷۹
	برداشت ذهنی از سهولت دسترسی خیابان‌های اطراف به محله	۰/۶۲۴
	خوانایی ورودی محله	۰/۵۱۵
	شناسایی فضای محدوده محله	۰/۸۴۳
همه‌انگهی و تنوع	توانایی در آدرس‌دهی	۰/۷۷۵
	برداشت ذهنی از تنوع فضا و ساختمان‌ها	۰/۷۰۹
	درک همه‌انگهی ارتفاع ساختمان‌ها (خط آسمان)	۰/۶۷۶
	دیوارنویسی و پوسته‌های تبلیغاتی دیوارهای محله	۰/۷۲۸
	ساختمان متروکه، تاریخی، مخروبه یا نیمه‌کاره	۰/۷۲۶
	ساختمان‌های قدیمی و فرسوده	۰/۶۴۸
تعلق خاطر	تعلق خاطر و دل‌بستگی به محل و فضای زندگی	۰/۷۱۳
	تعلق خاطر و دل‌بستگی به محل زندگی خود	۰/۶۲۴
خاطره‌انگیزی	حس خاطره‌انگیزی بنا و فضاهای تاریخی	۰/۷۴۷
	حس خاطره‌انگیزی خیابان‌ها و میدان‌ها	۰/۶۰۸
سازگاری و تنوع	خوشایندبودن تنوع ساختمان‌ها	۰/۷۱۳
	آزاردهندگی ساختمان‌های جدید	۰- /۵۹۲
ادراک کل	درک ذهنی از میزان دسترسی محل زندگی به فضاهای عمومی و پارک‌ها	۰/۷۳۸
	اظهارنظر کلی درمورد عوامل ذهنی	۰/۵۴۶

عامل اول شامل متغیرهای جذابیت فضای زندگی (با بار عاملی ۰/۷۰۲)، زیبایی محل زندگی (با بار عاملی ۰/۶۸۳) و تابلوهای راهنمایی (با بار عاملی ۰/۶۸۴)، احساس پیوستگی و یکپارچگی در ساختمان‌ها (با بار عاملی ۰/۶۹۲)، تناسب نمای ساختمان‌ها و بناهای جدید و تاریخی (با بار عاملی ۰/۵۶۵) و نظم ساختمان‌ها (با بار عاملی ۰/۵۴۹) نمای آن‌ها (با بار عاملی ۰/۵۴۲) می‌شود که در مجموع ۱۳/۶۸ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. نام این عامل برگرفته از تعبیر کالن «دیدن و دیده‌شدن» است.

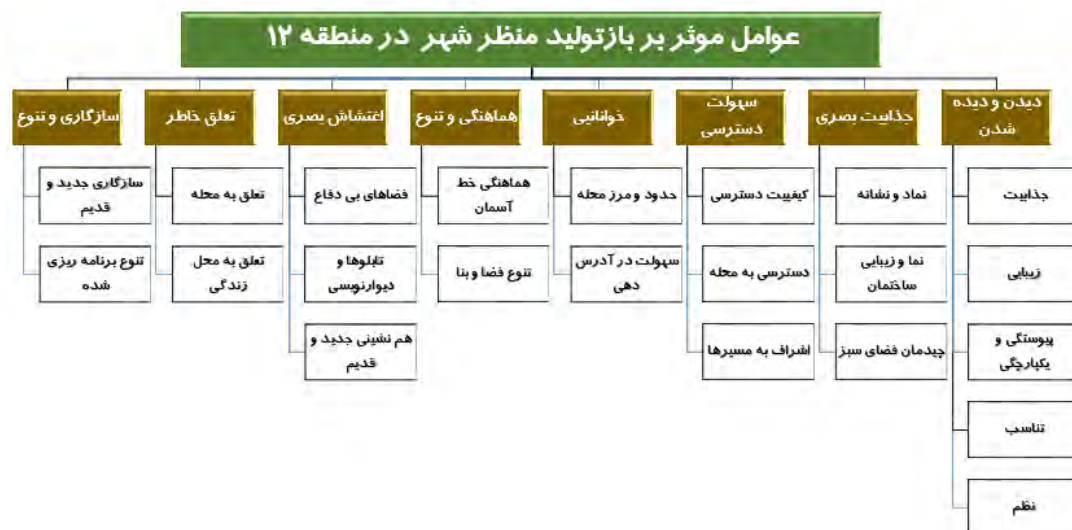
عامل دوم شامل متغیرهای نماد و نشانه‌بودن ساختمان‌ها (با بار عاملی ۰/۵۷۱)، جذابیت نمای ساختمان‌های قدیم (با بار عاملی ۰/۷۰۲) و جدید (با بار عاملی ۰/۶۸۳)، جذابیت فضای سبز (با بار عاملی ۰/۷۳۶)، زیبایی ساختمان‌های تاریخی (با بار عاملی ۰/۶۸۳) و مدرن (با بار عاملی ۰/۶۴۰) است؛ از این‌رو می‌توان این عامل را «جذابیت و زیبایی» نام نهاد. این عامل حدود ۹/۸۵ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.

برداشت ذهنی از دسترسی به خیابان‌های اصلی (با بار عاملی ۰/۶۲۴)، خوانایی ورودی محله (با بار عاملی ۰/۵۱۵) و آشنایی به مسیرهای میانبر (با بار عاملی ۰/۷۷۹) در یک گروه عاملی قرار گرفته‌اند که «سهولت دسترسی» نام دارد. این عامل نیز ۶/۱۱ درصد واریانس کل را تبیین می‌کند.

احساس ذهنی مخاطب از شناسایی فضاهای محله‌ای (با بار عاملی ۰/۸۴۲) و توانایی در آدرس‌دهی به دیگران (با بار عاملی ۰/۷۷۵) در گروه بعدی قرار دارد و در مجموع ۵/۷۶۱ درصد از واریانس را تبیین می‌کند. نام این عامل «خوانایی» است. درک هماهنگی ارتفاع ساختمان‌ها و خط آسمان مناسب (با بار عاملی ۰/۶۷۶) و برداشت ذهنی از تنوع و هماهنگی (با بار عاملی ۰/۷۰۹) در یک گروه قرار دارند. این گروه عاملی «هماهنگی و تنوع» نام دارد که ۵/۶۷۱ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.

احساس آزردهندگی ساختمان‌های متروکه و فرسوده (با بار عاملی ۰/۷۲۶) و اغتشاش در دیوارنویسی (با بار عاملی ۰/۷۲۸) و ساختمان‌های قدیمی (با بار عاملی ۰/۶۴۸) مجموعه متغیرهایی هستند که در یک گروه قرار دارند و «اغتشاش بصری» نام دارند. این عامل ۵/۵۲ درصد از واریانس کل را توجیه می‌کند. تعلق خاطر به محل زندگی (با بار عاملی ۰/۷۱۳) و به فضای محله (با بار عاملی ۰/۶۲۴) از متغیرهایی هستند که در یک گروه قرار دارند و عامل «تعلق خاطر» نام دارند. این عامل حدود ۵/۲۱ درصد واریانس کل را تشکیل می‌دهد.

خاطره‌انگیزی بناها (با بار عاملی ۰/۷۴۷) و فضاها و خیابان‌های موجود (با بار عاملی ۰/۶۰۸) در یک گروه قرار گرفته‌اند و به‌عنوان عامل «خاطره‌انگیزی»، ۴/۹۳ درصد از واریانس کل را توجیه می‌کنند. آزردهندگی (با بار عاملی ۰/۵۹۲-)، یا خوشایندی تنوع ساختمان‌ها (با بار عاملی ۰/۷۱۳)، دو متغیر متضاد از دیدگاه ساکنان شهر هستند. نشانگر این متغیر «سازگاری و تنوع» نام دارد که ۴/۵۷۹ درصد از واریانس را تبیین می‌کند. درنهایت درک ذهنی از میزان دسترسی (با بار عاملی ۰/۷۳۸) و جمع‌بندی کلی از عناصر ذهنی مؤثر در منظر شهری (با بار عاملی ۰/۵۴۶) دو متغیر پایانی بوده‌اند که در یک گروه قرار دارند. شکل ۱ نحوه دسته‌بندی عوامل را نشان می‌دهد.



شکل ۱. عوامل و گویه‌های مؤثر بر منظر ذهنی براساس درک و برداشت ذهنی شهروندان

نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های به‌دست‌آمده از این پژوهش، بازتولید منظر شهری از بعد ذهنی بیش از همه از عواملی تأثیر می‌پذیرد که در لحظه، به دید ناظر و عابر فضای شهری می‌آید. در این مقاله این تعریف از کالن که دیدن و تجربه بصری نقطه آغازین در درک منظر کلی شهر است تأیید و به‌عنوان مهم‌ترین عامل که بیشترین سهم از واریانس را توجیه می‌کند شناسایی شد. در وهله دوم جذابیت و زیبایی، برداشت ذهنی فرد از سهولت دسترسی به فضاهای شهری و محله نقش مؤثری ایفا می‌کند. دو عامل اول در مجموع حدود یک‌چهارم از تأثیرات عوامل را تبیین می‌کنند. سپس عوامل خوانایی، هماهنگی و تنوع، عدم اغتشاش بصری و تعلق خاطر و دل‌بستگی به محله تأثیرات زیادی در برداشت ذهنی فرد در بازتولید منظر شهری دارند؛ درحالی‌که براساس اطلاعات توصیفی به‌دست‌آمده از مطالعه در منطقه مورد مطالعه بیشتر افراد معتقدند که زیبایی، تناسب، تنوع بصری، عدم اغتشاش بصری و نظم و هارمونی در محله و فضای شهری که در آن زندگی و فعالیت می‌کنند بسیار کم و کم و درمورد کیفیت دسترسی متوسط است. براین اساس می‌توان گفت نوسازی و بهسازی، که یکی از اهداف آن‌ها بهبود سیما و منظر شهری است و به دنبال کاهش اغتشاشات فضایی هستند، در بازتولید نظم و تناسب کالبد و فضای شهری تأثیرگذاری زیادی ندارند.

دستیابی به کیفیت محیطی و افزایش حضورپذیری مردم نیازمند ارتقای کیفیت بصری و زیبایی‌شناختی منظر شهری است؛ از این‌رو ساماندهی محورهای بصری و هدایت آگاهانه آن می‌تواند ارتقای کیفیت بصری - کالبدی شهر و فضاهای شهری را فراهم آورد؛ بنابراین توصیه می‌شود در بهسازی و نوسازی بافت‌های ناکارآمد شهری در محدوده مورد مطالعه به نکات زیر توجه شود:

- محورهای دید و جزئیات نما و آنچه در دید ناظر قرار می‌گیرد، در طراحی و برنامه‌ریزی بهسازی و نوسازی بافت از دید ناظر مدنظر قرار می‌گیرد و بر آن تأکید می‌شود.

- جذابیت و زیبایی ساختمان‌ها و آنچه مورد مداخله قرار می‌گیرد بیش از آنکه از نگاه مهندسی در طرح‌های شهرسازی در نظر گرفته شود، باید طراحی آن از دیدگاه ساکن و شهروند به‌عنوان کنشگر فعال در فضا صورت بگیرد؛ از این‌رو مشارکت شهروندان در طرح‌های شهرسازی ضرورت می‌یابد.
- خوانایی و سهولت در دسترسی به محله و محل زندگی از دید ناظر و ساکن محله اهمیت بسیاری در درک و برداشت ذهنی از منظر شهری دارد؛ از این‌رو در مداخله‌های برنامه‌ریزی‌شده از طریق ایجاد نماد و نشانه‌ها و عناصر منظرین در این جهت اقدام شود.
- شناسایی محدوده محله و به تعبیر لاینچ لبه شهری، باید بر مرز محله‌های اجتماعی انطباق یابد. به تعبیر دیگر، محله باید با تفسیر و محدوده‌ای که ساکنان شهری از آن دارند مبنای ایجاد لبه‌های جدید قرار بگیرد و از دیکته‌کردن لبه به محدوده‌ای از بافت پرهیز شود.
- تنوع و هماهنگی بناها و ارتفاع و خط آسمان، به‌ویژه در بافت‌های تاریخی که مداخله در بناهای ارزشمند امکان‌پذیر نیست باید با دقت و تأمل و تفکر و براساس برداشت و درک ذهنی ساکنان مدنظر قرار بگیرد.
- هم‌زمان با مداخله در کالبد و بهسازی یا نوسازی بافت، از بین بردن اغتشاشات فضایی به‌ویژه کاهش فضاهای بی‌دفاع و ساختمان‌های فرسوده و مخروبه باید در برنامه‌ریزی و طراحی در نظر گرفته شود.
- از طریق مشارکت و نظرخواهی از ساکنان و فعالان در فضا تلاش شود تا عوامل مؤثر بر تعلق خاطر و دل‌بستگی به فضا شناسایی و در برنامه‌ریزی و طراحی مدنظر قرار بگیرد.
- سازگاری عملکرد و بافت و ساخت جدید با عملکرد و بافت کالبدی قدیم ضرورتی است که در برنامه‌ریزی و طراحی نیازمند امعان نظر بیشتری است.

سپاس‌گزاری

مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی «تبیین نقش بهسازی و نوسازی بافت فرسوده تاریخی شهر تهران در بازتولید منظر شهری» است که با حمایت مالی معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی اجرا شده است. بدین‌منظور از همه کسانی که در انجام و تصویب این طرح نقش داشته‌اند سپاس‌گزاری می‌شود.

منابع

- انصاری، مجتبی و همکاران، ۱۳۸۷، «هویت معماری و ساختار شهری: هویت بخشی به محلات بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر ساماندهی نظام بصری»، نشریه آیین خيال، شماره ۱۱، صص، ۹۳-۱۰۰.
- پاکزاد، جهان‌شاه، ۱۳۸۵، «منظر شهری: آنچه کوين لينچ از آن می‌فهمید»، فصلنامه آبادی، سال شانزدهم، شماره ۵۳، صص ۲۰-۲۶.
- پورجعفر، محمدرضا، تقوایی، علی‌اکبر و علیرضا صادقی، ۱۳۸۸، «خوانش تأثیر ساماندهی محورهای بصری بر ارتقای کیفیت محیط فضاهای عمومی شهری»، دو فصلنامه مدیریت شهری، سال ۷، شماره ۲۴، صص ۸۰-۶۵.
- توسلی، محمود، ۱۳۸۲، اصل ارتباط در طراحی شهری، هنرهای زیبا، شماره ۱۴، صص ۳۹-۳۲.
- خاک‌زند، مهدی و همکاران، ۱۳۹۳، «شناسایی عوامل مؤثر بر طراحی بدنه‌های شهری با تأکید بر ابعاد زیبایی‌شناسی و زیست‌محیطی، مطالعه موردی: خیابان ولیعصر عج شهر قشم»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات شهری، سال ۳، شماره ۱۰، صص ۱۵-۲۶.
- رضازاده، راضیه، ۱۳۸۶، اصول و معیارهای ساماندهی و ضوابط و مقررات سیمای شهری، طرح تحقیقاتی انجام شده در مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری ایران.
- رفعیان، مجتبی، مؤیدی، محمد و حسن سلمانی، ۱۳۹۳، «سنجش احساس امنیت شهروندان با استفاده از مؤلفه‌های منظر شهری، نمونه مورد مطالعه: محله اوین تهران»، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم جغرافیایی، سال ۱۰، شماره ۲۱، صص ۳۳-۵۹.
- شالین، کلود، ۱۳۷۲، دینامیک شهری یا پویایی شهرها، ترجمه اصغر نظریان، ناشر: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- فلامکی، منصور، ۱۳۷۶، فارابی و سیر شهروندی در ایران، چاپ اول، نشر نقره، تهران.
- فلامکی، منصور، ۱۳۸۴، نوسازی و بهسازی شهری، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
- کالن، گوردون، ۱۳۷۷، گزیده منظر شهری، ترجمه منوچهر طبیبیان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- کریمی مشاور، مهرداد، سجاذزاده، حسن و سلمان وحدت، ۱۳۹۴، «سنجش اولویت‌های خوانش منظر فضاهای شهری از دیدگاه شهروندان، نمونه موردی: میدان‌های شهری همدان»، مجله باغ نظر، سال دوازدهم، شماره ۳۷، صص ۳-۱۴.
- کریمی مشاور، مهرداد، منصوری، سید امیر و علی‌اصغر ادیبی، ۱۳۸۹، «چگونگی فرارگیری ساختمان‌های بلندمرتبه و منظر شهری»، باغ نظر، شماره ۱۳، صص ۹۹-۸۹.
- کلانتری، حسین و اخوت، هانیه، ۱۳۹۰، برنامه‌ریزی منظر شهری، تهران، سازمان زیباسازی شهر تهران.
- گلکار، کوروش، ۱۳۸۲، از تولد تا بلوغ طراحی شهری، صفه، شماره ۳۲، صص ۹-۲۳.
- لینچ، کوین، ۱۳۸۷، سیمای شهر، ترجمه دکتر منوچهر مزینی، دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ.
- معروفی، سکینه و انصاری، مجتبی، ۱۳۹۳، «ارزیابی تأثیر عناصر منظر شهری بر میزان احساس تعلق محلی، مطالعه موردی: محله نارمک تهران»، نشریه هویت شهر، سال هشتم، شماره ۱۸، صص ۳۹-۴۶.
- مقیمی، مهدی و سلطانی، مهرداد، ۱۳۹۳، بازپردازی منظر شهری در بافت فرسوده زنجان، سازمان زیباسازی شهر تهران.

منزوی، مهشید و همکاران، ۱۳۸۹، «آسیب بافت‌پذیری بافت‌های فرسوده بخش مرکزی شهر تهران در برابر زلزله (مورد: منطقه ۱۲)»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۳، صص ۱-۱۸.

نعمتی‌مهر، مرضیه السادات، ۱۳۸۴، اصل کلیت در طراحی شهری، هنرهای زیبا، شماره ۲۲، صص ۵-۱۴.

نگارستان فرزین، تیموری، محمود و آتشین‌بار محمد، ۱۳۸۹، «تئوری منظر، رویکردی بر تداوم هویت در روند نوسازی شهری»، باغ نظر، سال هفتم، شماره ۱۴، صص ۵۹-۶۸.

وحدت، سلمان، سجاذاده، حسن و مهرداد کریمی مشاور، ۱۳۹۴، «تبیین ابعاد مؤثر بر منظر خیابان در جهت ارتقای خوانش منظر فضاهای شهری: مطالعه موردی خیابان‌های بافت مرکزی شهر همدان»، مجله مطالعات شهری شماره ۱۵، صص ۱۷-۳۷.

یوسفی، علی و همکاران، ۱۳۹۳، منظر شهری، ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی، مشهد، شورای اسلامی شهر مشهد.

Ansari, M. et al., 2008, *Urban Architecture and Urban Identity: Identity To Urban Waste Urban Texts, With an Emphasis on the Organization of the Visual System*, Journal of Ayineh Khial, No. ۱۱, PP. 93-100. (In Persian)

Pakzad, J., 2006, *Image of City: What Kevin Lynch Understands*, Abadi, Vol. 16, No. 53, PP. 20-26. (In Persian)

Pour Jafar, M. R., Devil, A. A., and Sadeghi, A., 2009, *Reading the Effect of Organizing Visual Axes on Improving the Quality of the Urban Public Spaces*, Urban Managemen, Vol.7, No. 24, PP 65-80 (In Persian)

Tavasoli, M., 2002, *Principle of Connectivity in Urban Design*, Vol.-, No. 14, PP.32-39. (In Persian)

Khazand, M. et al., 2014, *Identification of Effective Factors on the Design of Urban Housing with Confirmation on Aesthetic and Environmental Dimensions, Case Study: Valiasr Ave. In Qeshm City*, Journal of Urban Studies, Vol.3 No. 10, PP.15-26 (In Persian)

Rezazadeh, R., 2006, *Principles and Criteria for Organizing and Rules for Urban Design*, A Research Project Carried Out at the Center for Urban and Architectural Studies And Research Of Iran. (In Persian)

Rafiyani, M., Mo'idi, M., and Salmani, H., 2014, *Measurement of Citizens' Sense of Security Using Urban Paradigms, Case Study, Evin District, Tehran*, Journal of Geographic Sciences, Vol.10, No. 21, PP. 33-59. (In Persian)

Shalin, C., 1993, *Urban Dynamics or Dynamics of Cities*, Translate to Persian By: Asghar Nazarian, Publisher: Astan Quds Razavi Cultural Affair. (In Persian)

Falamaki, M., 1997, *Farabi and Citizenship in Iran*, First Edition, Nogh-E-Yi Publishing, Tehran.

Falamaki, M., 2004, *Urban Renovation and Improvement*, SAMT Publishing, Tehran.

Cullen, G., 1998, *Urban Landscape*, Translated By: Manouchehr Tabibian, Tehran, Tehran University Press, First Edition.

Karimi Moshaver, M., Sajjadzadeh, H., and Vahdat, S., 2014, *Measurement of Urban Landscape from the Viewpoint of Citizens, Case Study: Maidan Shahri Hamedan*, Journal of Bage Nazar, Vol. 12, No. 37, PP.3-14.

Karimi Moshaver, M., Mansouri, A., and Adibi, A., 2011, *How to Build High-Rise Buildings and Urban Landscape*, Bagh-E-Nozeh, No 13. PP. 89-99.

Kalantari, H., and Brotherhood, H., 2011, *Urban Landscape Planning*, Tehran, Beautification Organization of Tehran.

- Golkar, K., 2002, *From Birth to Maturity of Urban Design*, Safav, No. 32, PP. 9-23.
- Lynch, K., 2007, *Image of City*, Translated By: Manouchehr Mazini, University of Tehran.
- Maaroufi, S., and Ansari, M., 2014, *Evaluation of the Impact of Urban Landscape Elements on the Sense of Local Belonging, Case Study: Narmak Neighborhood of Tehran*, Howiat-Shahr, Vol. 8, No. 18, PP. 39-46.
- Moghimi, M., and Soltani, M., 2014, *Rebuliding of Urban Landscape in Worn-Out Texture of Zanjan*, Tehran Beatification Organization
- Monzavi, M., et al., 2010, *Wound Fabrics Damage in the Central Part of Tehran City Against Earthquake (Case: District 12)*, Human Geography Research, No. 73, PP. 1-18.
- Nemati Mehr, M., 2005, *The General Principle of Urban Design*, Fine Arts No. 22, PP. 5-14.
- Negarestan F., Timouri, M., and Firebark, M., 2010, *Landscape Theory, An Approach to Identity Continuity in the Urban Modernization Process*, Bagh-E- Nazar No. 14, PP. 59-68.
- Wahdat, S., Sajjadzadeh, H., and Karimi Advisor, M., 2014, *Explaining Effective Dimensions on Street View to Improve Landscape Reading of Urban Spaces: A Study on the Streets of the Central Textures of Hamedan City*, Journal of Urban Studies, No. 15, PP. 17-35.
- Yusefi, A. et al., 2013, *Urban Landscape, Sixth National Conference on Urban Planning and Management With Emphasis on the Components of Islamic City*, Mashhad, Mashhad Islamic Council.
- Alon-Mozes, T., 2006, *From "Reading" Thelandscape To "Writing" a Garden*, Journal of Landscape Architecture, No. 1, PP. 30-37.
- Attila, F., 2007, *Space Syntax in Urban Research*, Thesis Summary of Doctoral Dissertation, Landscape Architecture and Decision Support Systems (Theme: Landscape Architecture).
- Bjorn, H., and Mirazimazadeh, A., 2004, *Evolving Urban Culture in Transforming Cities: The Role the Configuration of the Network of Public Space in Urban Life*, Chalmers School of Architecture, Sweden.
- Caves, R., 2005, *Encyclopedia of the City*, Routledge, London and New York.
- De Rosa F, and Di Palma M, 2013, *Historic Urban Landscape Approach and Port Cities Regeneration: Naples Between Identity and Outlook*, Sustainability 5: 4268–4287.
- Durmuş, Ö., and Kubat, A., 2015, *The Evaluation of the Integration of Industrial Heritage Areas To Urban Landscape: The Case Study Of Sumerbank Kayseri Cotton Factory*. ITU J Faculty Arch.12 (1): 31-36.
- Mayor of London, 2014, *Bank Station Capacity Upgrade Project Details*, London.
- Miles, S., and Paddison, R., 2005, *Introduction: The Rise and Rise of Culture-Led Urban Regeneration*, Urban Studies, Vol. 42, No. 5-6, PP. 833-839.
- Sassano, G. et al., 2018, *Involving Citizens in the Reuse and Regeneration of Urban Peripheral Spaces*, The Journal of ERSAs, Vol. 5, No. 1, PP. 33-51.
- Scannell, L., and Gifford, R., 2014, *Comparing the Theories of Interpersonal and Place Attachment, Place Attachment: Advances In Theory, Methods and Applications*, 23-36
- Tanca, M., 2016, *Cagliari's Urban Landscape: A Common?* Journal of Research and Didactics in Geography (J-READING), 1, 5, June, 2016, PP. 79-88.
- Tavassoli, M., 2016, *Urban Structure in Islamic Territories*, In *Urban Structure in Hot Arid Environments* (11-18), Springer International Publishing.